



رزمایش نیروی دریایی سپاه در آستانه مذاکرات ژنو چه ابعاد و اهمیتی دارد؟

دست به ماشه در تنگه هرمز



سرمقاله

برای تجارت دریایی ایران است. جمهوری اسلامی پیش از این نیز نشان داده است که در برابر چنین شرارت‌هایی نه منفعل است و نه دست بسته. یکی از پیام‌های این رزمایش، قاطعیت و جدیت ایران در حفاظت از منافع خود در این حوزه است. قاطعیتی که می‌تواند خود را هم در حوزه بازدارندگی و حفاظت و هم در حوزه اقدام متقابل در برابر شرارت‌های احتمالی نشان دهد.

و بالاخره باید به این موضوع نیز اشاره کرد که این رزمایش در روزی آغاز شد که قرار است فردا دیپلمات‌های کشورمان در ژنوا با طرف آمریکایی دور دوم مذاکرات را داشته باشند. این رزمایش در چنین موقعیتی حاوی این پیام صریح است که جمهوری اسلامی ایران همچنان که راه دیپلماسی را نبسته اما به موازات آن، برای تأمین امنیت و منافع خود، هوشیار و دست به ماشه است. ■

داده شده، این حماقت ماشه بروز یک جنگ منطقه‌ای و تمام‌عیار را خواهد چکاند و در چنین وضعیتی جبهه جنوب از اهمیتی بالا برخوردار است. پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای جنوبی خلیج فارس و اهداف متحرک دریایی از جمله گزینه‌های اصلی و جدی در این نبرد خواهند بود و اینجاست که منطقه خلیج فارس و دریای عمان، نقشی کلیدی پیدا می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه صرفاً از توان خود در حوزه هوا-فضا استفاده کرد اما در درگیری احتمالی آینده، نیروی دریایی و جبهه آبی نیز در یک جنگ منطقه‌ای به احتمال زیاد وارد معادله درگیری خواهند شد و فضای جدیدی ایجاد می‌شود.

نکته دیگر آنکه یکی از سناریوهای مطرح از لشکرکشی جدید آمریکا در منطقه، ایجاد مزاحمت

می‌یابد. این رزمایش در حالی برگزار می‌شود که آمریکا تجهیزات مختلفی را به‌خصوص در حوزه دریایی راهی منطقه کرده و با لفاظی‌ها و تهدیدات متعدد و پی‌درپی درصدد ارعاب و شکست عزم جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از منافع ملی خود است.

قابلیت‌های ژئوپلیتیکی خلیج فارسی مانند برخورداری ایران از جزایر متعدد و استراتژیک -همچون جزایر سه‌گانه تنب بزرگ و کوچک و بوموسی- و تنگه هرمز بخشی از امکان‌هایی است که فرصت‌های مختلفی را برای ایران در حوزه تدافعی و تهاجمی فراهم می‌کند.

باید به این نکته توجه داشت که در صورت اشتباه محاسباتی کاخ سفید و حرکت به سوی گزینه نظامی، همانطور که پیش از این نیز در بالاترین سطح و توسط فرمانده کل قوا هشدار

امروز رزمایش ترکیبی، گرم و هدفمند «کنترل هوشمند تنگه هرمز» با محوریت نیروی دریایی سپاه پاسداران و تحت اشراف، کنترل و پایش میدانی فرماندهی کل سپاه پاسداران، سرلشکر پاکپور در منطقه راهبردی تنگه هرمز آغاز شد. بررسی آمادگی یگان‌های عملیاتی نیروی دریایی سپاه پاسداران، مرور برنامه‌های تأمینی و سناریوهای اقدام نظامی متقابل سپاه پاسداران در مواجهه با تهدیدات امنیتی و نظامی احتمالی در منطقه تنگه هرمز و بهره‌گیری هوشمند از مزایای ژئوپلیتیک ایران در خلیج فارس و دریای عمان از مهم‌ترین اهداف این رزمایش است.

اگر چه منطقه خلیج فارس و دریای عمان سالانه شاهد برگزاری رزمایش‌هایی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است، اما رزمایش اخیر از چند منظر قابل تأمل بوده و اهمیتی مضاعف

پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	آمریکای خیانتکار و سگ‌های هارش بدانند که در صورت تعرض، انتقام ما حتمی است.	ﷻ الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است. ملت ایران تسلیم نمی‌شود. شهادت در راه وطن افتخار ماست.	سید محمد این صدای ملت ایران است
--	---	---	---

تورق

ناگفته‌های مردی که نیم قرن در کنار شاه بود

۱۵ فروردست در مجموع ۵۲ سال از زندگی ۷۶ساله‌اش را در ارتباط نزدیک با محمدرضا شاه پهلوی گذراند؛ او تا آخرین لحظات پیروزی انقلاب، برای حفظ حکومت پهلوی چنان کوشید که برخی از عوامل امنیتی به وی به عنوان گزینه‌ی مطلوب برای هدایت یک کودتا نگاه می‌کردند. خواندن خاطرات چنین فردی قطعاً خالی از لطف نیست. کتاب «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» از دوره‌ی کودکی محمدرضا تا روزهای آخر حکومت پهلوی را با جزئیات جذاب و روان بیان کرده و ویرایش آن نیز فاقد هرگونه جهت‌گیری سیاسی است و اغلب توضیحات و معرفی شخصیت‌هایی که از آن‌ها نام برده شده (همچون تیمورتاش، فروغی، هویدا، شریف امامی و...) براساس اسناد به‌صورت مستقل در جلد دوم ارائه شده است که نقش مکمل خاطرات را دارد. در کتاب، نقش مؤثر آمریکا و انگلیس در امور ایران را می‌توان به‌وضوح دید. اطلاعات فردوست منحصر به شاه نیست و به مسائل مختلف پرداخته است؛ بسیاری از جزئیات و اتفاقاتی که هنوز پس از سه دهه از بیان آن خاطرات، کاربردی است.

پویش ایران همدل ۵ ادامه دارد

یک ایران همدل است

مرکز نیکوکاری علی بن ابیطالب (ع) شهرستان اسدآباد، همدان در پویش «ایران همدل» پای کار خدمت و مهربانی...

فرزند ایران

نگهبان چاه آب بود

دست‌های زن به وضوح می‌لرزند. می‌گوید: «اسم زن داداشم سیاه‌گیس بود ولی به او گیسو می‌گفتم. زنی آرام، مؤمن، بی صدا و بی حاشیه. سال‌ها با مادرم زندگی کرد؛ بدون حتی یک دلخوری. خیلی خانم و مهربان بود، محجبه و مظلوم. همین مظلومیتش هر وقت یادم می‌افتد خیلی اذیتم می‌کند، کاش حداقل یک بار، یک چیزی می‌گفت یا یک اخم می‌کرد. خیلی کمک حال مادرم بود. این خانواده چه برادرم غلام عباس، چه همسرش سیاه‌گیس و چه برادرزاده‌ام آرمن، همگی خیلی پاک و بی‌آلایش بودند. به حق لایق شهادت بودند.» اشک‌هایش سرازیر می‌شوند و شانه‌هایش می‌لرزند: «رژیم سفاک اسرائیل فقط با نظامی‌ها دشمن نیست، برادرم و بچه هشت ساله‌اش را زدند، زن داداشم را زدند، مگر این‌ها نظامی بودند؟ برادرم نگهبان چاه آب بود و با زن و بچه‌اش در زمین‌های کشاورزی زندگی می‌کردند. از سی ام خرداد که خبر شهادت خانواده‌ی برادرم را در جاده دوکوهه دادند حتی از آن محل نمی‌توانم بگذرم. به بهشت زهرا ی دوکوهه می‌روم و سر مزار عزیزانم می‌نشینم و فقط می‌گویم خوشا به سعادت‌تان!». قاب عکس شهیده سیاه‌گیس موسوی روی میز کوچک خانه تمام اتاق را پر از عطر حضور کرده است.

سیده اعظم الشریعه موسوی